

به نام خداوند جان و خرد  
کز این برتر اندیشه بر نگذرد

خداوند نام و خداوند جای  
خداوند روزی ده رهنمای

خداوند کیوان و گردان سپهر  
فروزنده ماه و ناهید و مهر

ز نام و نشان و گمان برتر است  
نگارنده بر شده پیکر است

به بینندگان آفریننده را  
نبینی مرنجان دو بیننده را

نیابد بدو نیز اندیشه راه  
که او برتر از نام و از جایگاه

سخن هر چه زین گوهران بگذرد  
نیابد بدو راه جان و خرد

خرد گر سخن برگزیند همی  
همان را گزیند، که بیند همی

ستودن نداند کس، او را چو هست  
میان بندگی را بیایدت بست

خرد را و جان را همی سنجد اوی  
در اندیشه سخته کی گنجد اوی

بدین آلت رای و جان و زبان  
ستود آفریننده را کی توان

به هستیش باید که خستو شوی

ز گفتار بی‌کار یک‌سو شوی

پرستنده باشی و جوینده راه  
به ژرفی به فرمانش کردن نگاه

توانا بود هر که دانا بود

ز دانش دل پیر برنا بود

از این پرده برتر سخن‌گاه نیست

ز هستی مر اندیشه را راه نیست